

.... زمانی که در کودکی در باره انقلاب فرانسه می خواندم، غالباً این پرسش برایم پیش می آمد که آیا زنده ماندن در حین دوره حکومت ارباب امکان پذیر است یا نه. حالا هیچ شکی ندارم امکان پذیر نیست. هر کسی که فضای حکومت ترور و ارباب را تنفس کرده باشد، حتی اگر در ظاهر توانسته باشد جانش را نجات دهد، باز محکوم به فناست. همه قربانی هستند. نه فقط آن هایی که می میرند، بلکه همه آن قاتلان، نظریه پردازان، شرکای جرم و چاپلوسانی که چشمانشان را می بندند یا آنهایی که با گفتن جمله «ما ماموریم و معذور» از خودشان سلب مسئولیت می کنند. حتی آن کسانی که شب ها مخفیانه از فرط پشیمانی از حال می روند نیز قربانی اند و محکوم به فنا. همه بخش های جمعیتی کشورمان به این بیماری موحشی که حکومت ارباب باعث آن شده مبتلا شده اند، و تاکنون هیچ کسی از این بیماری شفا نیافته، یا دوباره نتوانسته خودش را با زندگی مدنی عادی تطبیق دهد. این مرضی است که به نسل بعد سرایت می کند، تا که پسران تاوان گناهان پدران را بپردازند.....

.....

برگرفته از کتاب « امید علیه امید، روشنفکران در عصر استالین » نوشته نادرزدا ماندلشتام